

دوره یازدهم قانون گذاری

جلسه ۱۷

صورت مشروح

# مذاکرات مجلس

بانضمام متن قوانین

یکشنبه ۱۶ آذر ماه ۱۳۱۶

شماره مسلسل - ۸۰۶

چاپخانه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۱۲ آذر ماه ۱۳۱۶ \*

## فهرست مطالب

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - شور اول لایحه اعتبار پروانه های ورودی
- ۳ - معرفی آقای صادق وثیقی بسمت معاونت وزارت تجارت
- ۴ - بقیه شور اول قانون اصول احکامات حقوقی از ماده ۴۳
- ۵ - تصویب سه فقره مرخصی
- ۶ - موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و سه ربع پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس يك شبه ۷ آذرماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند \*\*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد - خیر)  
صورت مجلس تصویب شد

تصویب اینک گزارش آنرا برای شور اول تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

رئیس - ماده واحده پیشنهادی دولت :

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحده - پروانه های ورودی که مدت اعتبار يك ساله آنها منقضی شده و مورد استفاده واقع نگردیده اند در صورتیکه طبق اسناد و مدارك به تشخیص وزارت تجارت معلوم شود عدم استفاده از آنها بر اثر پیش آمدی بوده است که دارندگان لوراق مزبور قسداً بررفع آن نبوده اند برای مدتی که وزارت تجارت معین نماید و حد اکثر آن از شش ماه تجاوز نخواهد کرد قابل استفاده

### [ ۲ - شور اول لایحه اعتبار پروانه های ورودی ]

رئیس - گزارش شور اول کمیسیون تجارت راجع باعتبار پروانه های ورودی . خبر کمیسیون بعرض آقایان میرسد :

(اینطور خوانده شد)

کمیسیون تجارت لایحه دولت را بشماره ۲۶۴۱۲ راجع باعتبار پروانه های ورودی که بواسطه مشکلات لرزی مدت آنها منقضی شده با حضور آقای وزیر تجارت تحت شور و مذاقه قرار داده و عین ماده واحده پیشنهادی را

\* عین مذاکرات مشروح هفدهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین با اجازه - آقایان : هیدر - عباس مسعودی - محسن مهدوی

غائبین بی اجازه - آقایان : یقوانی - جهانشاهی - دکتر اهری - دبیر سهرابی - ناصری - محمد تقی اسفندیاری - دبستانی - دکتر ادهم

وگلی - اعظم زنگنه - بیات ماگو - شهسو است - علوی - مسعودی خراسانی - هراز - قرا گولو

دبیر آمدگان بی اجازه - آقایان : نبات - تولیت - دکتر مجوات - نیک پور - دکتر طاهری - پناهی

خواهند بود مشروط بر اینکه اولاً تاریخ صدور آن اوراق زودتر از ۱۲ ماه قبل از اجرای قانون ارز نبوده و ثانیاً شخص ذینفع وظایف خود را در موقع مناسب برای استفاده از آن بعمل آورده باشد

رئیس - آقای کاشف

**کاشف** - بنده لازم دانستم که قبلاً تشکری از حضرت آقای علاء وزیر محترم تجارت کرده باشم. چون این لایحه که مطرح است بهترین دلیلی است از این که آقای وزیر تجارت نظر مخصوصی راجع بمقررات تجارت دارند و این نمونه ایست از آن نظریاتی که برای اصلاح امر دارند و البته جای تشکر است. ظاهر این قضیه گر چه در بادی امر شاید جزئی بنظر میرسد ولی از نقطه نظر تجارت و تجار خیلی اهمیت دارد. بنده خواستم موضوعی را عرض کرده باشم حضورشان با این که میدانم خود آقایان نظر را دارند. قوانینی که مربوط بانحصار تجارت و کمیسیون اسعار از مجلس شورای ملی گذشته است بمرور زمان و با تغییراتی که اصولاً در دنیا پیش آمد کرده و همه روزه پیش می آید راجع به تجارت و اقتصاد بعقیده بنده یکقدری کهنه شده است و بایستی یک تجدید نظر هائی در آن بشود و در خارج هم که با آقای وزیر تجارت مذاکره کردیم خود آقایان این نظر را دارند البته ملاحظه فرموده اند اغلب یک مقرراتی وضع میشود چه راجع به تجارت و چه راجع به کمیسیون اسعار و این مقررات دائماً تغییر می کنند و این تغییر البته تصدیق میفرمائید که در امور تجارت خیلی مؤثر است زیرا البته تاجر و مؤسسات تجارتمی برای اینکه بتوانند عملیات تجارتمی خود را با مقررات و قانون کشوری و دولتی جریان بدهند بایستی تکلیفشان معلوم باشد که بدانند مطابق این مقررات تکلیفشان چیست و انجام بدهند لهذا در ضمن تشکری که از آقای وزیر تجارت در این موضوع دارم که این لایحه نشانه ایست از توجه مخصوصی که ایشان به تجارت دارند خواستم عرض کنم که تسریع بفرمائید در این که تجدیدنظری در قانون و مقررات بفرمائید خصوصاً راجع به مقررات چون این مقررات باندازه زیاد

است که شاید خیلی قانون معلوم نباشد باین معنی که باندازه بواسطه مقررات و متحدالمآلهای جدید تغییراتی پیش آمده است که قانون درست معلوم نمیشود منظور عرض بنده این بود که اگر تغییرات لازم در قانون تجارت مطابق مقتضیات وقت و تحریکات امروزه داده شود و اصلاحاتی در آن بشود جریان امر تجارت بیشتر و بهتر خواهد شد

رئیس - آقای دکتر طاهری.

**دکتر طاهری** - البته نظر به آقای کاشف نماینده محترم تقدیر از این لایحه بود و واقعاً یکی از مواردی که رفع زحمت و خسارت از تجار مینماید این ارفاقی است که در این لایحه است. لزوم تجدید نظر در قوانین هم بر حسب مقتضیات وقت البته مورد انکار نیست و هیچیک از قوانین اقتصادی طوری نیست که لازم باشد که دائمی باشد و وزارت تجارت هم همین منظور را دارند که هر موقه که مناسب و مقتضی باشد بمناسبت مقتضای وقت البته تغییراتی داده میشود که کم کم بتدریج یک قوانین اساسی برای تجارت حاضر شود که با مقتضیات تمام دنیا موافقت کند و میخواستم عرض کنم که این لایحه فایده اش بیشتر از آن است که بظاهر بنظر می آید زیرا این مقرراتی که دولت وضع کرده است برای جواز ورود اجناس چون انجام تمام آن وظایف دست تاجر نیست که بتواند این را در موقع خود انجام بدهد و اگر از آن مدت گذشت بگویند تقصیر داری و باید جوازت کان لم یکن باشد اولاً گرفتن این جواز مستلزم دادن یک وجهی است برای تصدیق صدور که باید ضمیمه اش شود و این وقتی مدتش بگذرد بدون جهت یک خسارت و ضرری به تاجر وارد آمده است و از یک طرف بر حسب مقتضیاتی که ایجاد شده است (و حالا صلاح است که ادامه داشته باشد یا نداشته باشد آن موضوع علیحده است که باید درش دقت شود) ممکن است تقاضا هائی را یک سال معطل کنند برای رعایت مقررات و این طول مدت و ادامه اش اسباب این شده که مدتش منقضی می شود و مربوط به تاجر نیست برای اینکه مثلاً ارز ندارد و معطل میشود تا تصدیق صدورش از بین میرود این لایحه

مفادش این است که در صورت انقضای مدت پروانه که منوط به سهل انگاری تاجر نباشد و بعلمت یک مواعی باشد که از دست او خارج باشد این پروانه ورود باطل نشود و از این جهت است که لایحه مفیدی است و یکی از مواردی است که باید رعایت شود. بمناسبت موقع چون لایحه تجارت است استفاده میکنم و عرض می کنم که بواسطه یک سوء تفاهمی در چندی پیش یک اشکالاتی برای یک عده تاجر بی تقصیر یزدی پیش آمد کرده بود و با جدیت آقای رئیس - الوزراء خصوصاً جدیت آقای وزیر تجارت و آقای وثیقی رفع آن اشکالات شد و این را میخواستم در پیشگاه مجلس از ایشان اظهار تشکر کنم.

### [ ۳ - معرفی آقای صادق وثیقی بسمت معاونت وزارت تجارت ]

**وزیر تجارت** - از حسن استقبالی که آقایان محترم از این لایحه وزارت تجارت کردند تشکر میکنم و عرض میکنم منظور همان است که فرمودند که کمک به تجار و پیشرفت امور اقتصادی کشور است و دائماً وزارت تجارت در این خط سیر میکند و مشغول مطالعات دقیقی است که به تدریج قوانین و مقررات تجارتمی را درش تجدید نظر بکند و هر چه ممکن است آسانتر بکند که تسهیلاتی برای امور تجارتمی بشود (صحیح است). اگر آقایان اجازه فرمایند از موقع استفاده میکنم جناب آقای صادق وثیقی که سابقه درخشان و ممتدی در اداره تجارت دارند و از هر حیث مورد اعتماد میباشند معرفی میکنم بسمت معاونت وزارت تجارت (صحیح است - مبارک است)

**رئیس** - موافقین با ورود در شور دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

### [ ۴ - بقیه شور اول قانون اصول محاکمات حقوقی از ماده ۴۲ ]

**رئیس** - بقیه شور اول لایحه اصول محاکمات حقوقی مطرح است. ماده ۴۲ قرائت میشود. (بشرح آتی خوانده شد)

فصل سوم - در اختلافات راجعه بصلاحت و طریقه حل آن مبحث اول - در اختلافات راجعه بصلاحت ماده ۴۲ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر حکمه نسبت بدعوی که بآن رجوع شده است با خود آن حکمه است. رئیس - ماده چهل و سه قرائت میشود. (اینطور خوانده شد)

ماده ۴۳ - هر گاه در موضوع یک دعوی دو حکمه عدلیه یا حکمه عدلیه و مراجع غیر عدلیه هر دو خود را صالح بدانند یا هر دو از خود نفی صلاحیت نمایند اختلاف محقق میشود و همچنین است اشتباهات حاصله از این که قضیه مربوط به حکمه عدلیه یا اداره دیگر دولتی است و هر دو خود را صالح بدانند یا هر دو از خود نفی صلاحیت نمایند.

**رئیس** - ماده چهل و چهار

مبحث دوم - در طریقه حل اختلاف بین محاکم عدلیه ماده ۴۴ - اگر اختلاف بین محاکم عدلیه راجع به صلاحیت آنها بوسیله استیناف یا تمیز از قرار حل نشده باشد هر یک از متداعیین که حل اختلاف را بخواهد باید تقاضا نامه مطابق نمونه مخصوص بمحکمه که مطابق زیر مرجع حل اختلاف است تقدیم دارد.

حکمه باید بعرضحال مزبور در جلسه اداری رسیدگی نماید رسیدگی باصل دعوی تا صدور حکم راجعه به حل اختلاف توقیف خواهد شد

**رئیس** - آقای دکتر جوان

**دکتر جوان** - در قسمت آخر این ماده (۴۴) این جمله که مینویسد (حکمه باید بعرضحال مزبور در جلسه اداری رسیدگی نماید) تصور میکنم با اصلاحی که در اول ماده شده است و نوشته است باید تقاضا نامه بمحکمه تقدیم دارند بعقیده بنده باید عرضحال تبدیل بتقاضا نامه شود و خیال میکنم اشتباه شده است در مواعی که اختلاف بین محاکم عدلیه راجع بصلاحت آنها تولید شود در پیشنهاد اولی اینطور بود که عرضحال باید بدهند ولی بعد در کمیسیون

هم آقای وزیر عدلیه توجه داشتند که چون مشکل است برای هر کاری عرض حال بدهند اصلاح شد که تقاضا نامه بدهند و کلمه عرض حال در این ماده اشتباهاً بجای خود باقی مانده و بنظر بنده باید تبدیل شود بتقاضا نامه

مخبر کمیسیون عدلیه - در کمیسیون اصلاح میشود رئیس - ماده چهل و پنجم

( اینطور خوانده شد )

ماده ۴۵ - هرگاه طرفین اختلاف دو محکمه سطحیه باشد و هر دو صلاحه در حوزه یک محکمه ابتدائی باشند حل اختلاف در همان محکمه ابتدائی بعمل میآید

اگر طرفین اختلاف در حوزه یک محکمه ابتدائی نبوده ولی در حوزه یک محکمه استیناف باشند حل اختلاف به هیات محکمه استیناف رجوع میشود و اگر طرفین اختلاف در حوزه یک محکمه استیناف نباشند حل اختلاف بادیوان تمیز خواهد بود

رئیس - ماده چهل و ششم

( بشرح زیر خوانده شد )

ماده ۴۶ - هرگاه اختلاف بین محکمه صلح و محکمه ابتدائی باشد حل اختلاف بمحکمه استینافی رجوع میشود که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعند و اگر طرفین اختلاف در حوزه یک محکمه استیناف نباشند حل اختلاف بادیوان تمیز خواهد بود

رئیس - ماده چهل و هفتم

( این شکل خوانده شد )

ماده ۴۷ - اگر اختلاف بین دو محکمه ابتدائی باشد که در حوزه یک استیناف واقعند حل اختلاف راجع بهمان محکمه استیناف است و اگر در حوزه یک محکمه استیناف نباشند حل اختلاف بادیوان تمیز رجوع میشود

رئیس - ماده چهل و هشتم

( بشرح ذیل خوانده شد )

ماده ۴۸ - اگر اختلاف بین دو محکمه استیناف یا محکمه ابتدائی و استیناف باشد حل آن بادیوان تمیز خواهد بود

باب دوم وکالت در دعاوی

ماده ۵۳ - در محاکم صلاحه و بدایت متداعین میتوانند شخصاً یا بتوسط وکیل محاکمه کنند ولی در محاکم استیناف و دیوان عالی تمیز برای تقدیم عرض حال و محاکمه باید وکیل داشته باشند

رئیس - ماده پنجاه و چهارم

( باین ترتیب خوانده شد )

ماده ۵۴ - وکلای متداعین باید دارای شرایطی باشند که بموجب قانون برای آنها مقرر است

رئیس - ماده پنجاه و پنجم

( بشرح زیر قرائت شد )

ماده ۵۵ - وکالت باید بموجب سند رسمی یا بتصدیق امین صلح یا بخش دار یا شهر بانی یا کلانتری یا کدخدای محل و یا یکی از ادارات رسمی که موکل در آنجا مستخدم است و یا یک یا چند نفر از معتمدین محلی باشد مگر آنکه امضاء موکل معروف نزد محکمه بوده و صدور آن از موکل محل شبهه نباشد در صورتیکه وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید بتصدیق یکی از مامورین سیاسی یا قنصلی ایران رسیده باشد

رئیس - ماده پنجاه و ششم

( بمضمون زیر خوانده شد )

ماده ۵۶ - اگر وکالت در جلسه محاکمه داده شود باید مراتب در صورت جلسه قید و با امضاء موکل برسد

رئیس - ماده پنجاه و هفتم

( بشرح ذیل خوانده شد )

ماده ۵۷ - وکالت در محاکم شامل تمام اختیارات راجعه بامر محاکمه است جز آنچه را که موکل استثناء کرده لیکن در امور زیر اختیار وکیل باید در وکالت نامه تصریح شود

۱ - وکالت در استیناف

۲ - در تمیز

۳ - در مصالحه و تعیین وکیل اصلاح

۴ - وکالت در ادعای جعلیت نسبت بسند طرف و استرداد سند

۵ - در تعیین جاعل

۶ - در ارجاع دعوی بحکمیت و تعیین حکم

۷ - در توکیل

۸ - در تعیین مصدق و خبره

۹ - در اقرار ( مقصود اقرار در ماهیت دعوی یا بامری است که کاملاً قاطع دعوی باشد )

۱۰ - در دعوی خسارت

۱۱ - در استرداد دعوی

۱۲ - در جلب شخص ثالث و دفاع از دعوی ثالث

۱۳ - در دعوی متقابل و دفاع از دعوی مزبور

رئیس - آقای عراقی

عراقی - یک قسمت از قوانین عدلیه راجع است به تشریفات البته در این قسمت چندان جای بحث نیست من عرض حال را فرضاً باید قبل از اینکه بدهم تمبر کرده باشم یا بطور عرض حال را به محکمه تقدیم کنم به مدیر دفتر بدهم یا جای دیگر بدهم اینها یک امور تشریفات است که چندان در اطرافش حرف زیادی بنده ندارم ولی یک قسمتش راجع است بامر قضاوت البته همینطور که می بینید مملکت ایران امر قضاوتش حقیقت و نفس الامر همان امور حقوقی است که علماء اسلامی در آن صحبت کرده اند و چیزی نیست که بخواهیم از آن تجاوز و تخطی کرده باشیم هر جا هم تجاوز و تخطی بشود مسلماً راجع به همان تشریفات است علمای حقوق اسلامی ارکان اربعه راجع بوکالت قائل شده اند وکالت چهار رکن لازم دارد یک رکش عبارت است از عقد وکالت که بگوید من تو را وکیل کردم یک رکش عبارت است از قابلیت وکیل یعنی وکیل دیوانه نباشد سفیه نباشد چه نباشد وجه نباشد یک رکش بارت از این است که موکل قابلیت داشته باشد آدم سفیه و مجبور نمی تواند وکیل معین کند یک قسمتش هم عبارت از متعلق وکالت است یعنی آنچه چیزی که من برای خاطر آن چیز وکیل معین میکنم که عبارت از آن دعوی باشد اگر دعوائی باشد باین معنی که کسی نسبت

یکی دعوی کرده باشد و کیلی که معین میکند البته این قسمتها را در وکالتنامه اش قید میکند که قابلیت وکالت در آنها دارد بخلاف اقرار. اقرار طرف توجه تمام علمای حقوق اسلامی شده کتب هم پر است حالا بنده اگر اسم آن کتاب ها را بیاورم چون علمای حقوق بوده اند البته عیبی ندارد مثل علامه مثل صاحب ریاض مثل صاحب کفایة المقصد و سایر علمائی که برای قضاوت کتاب نوشته اند اینها وکالت در اقرار را اشکال کرده اند می گویند وکالت در اقرار نمیشود چرا؟ برای اینکه متعلق وکالت قابلیت باید داشته باشد من نمیتوانم کسی را وکیل کنم که عوض من شما اقرار بکنید خودش باید مباشر به نفس باشد مخصوصاً این قسمتی را که عرض می کنم همه جا دارد علامه هم متعرض است که من نمیتوانم یک کسی را وکیل بکنم که برود از طرف من شهادت بدهد شهادت باید قائم بنفس باشد باید شاهد خودش شهادت بدهد نه اینکه کسی بگوید من وکالت دارم از طرف زیدی بیایم شهادت بدهم. اقرار هم عبارت است از بیان مافی الضمیر خودش در کردن گرفتن یعنی من اگر بخواهم بگویم مدعی من دعواش صحیح است و پنجاه تومان موکل من مدیون است این قابل وکالت برداری نیست مثل همان هائی است که عرض کردم مثل نماز مثل شهادت مثل سایر چیز هائی که البته قابل وکالت برداری نیست اینجا اقرار را نوشته اند که میشود وکالت داد خیلی میل داشتم آقای وزیر عدلیه تشریف داشته باشند و عرایض بنده را استماع کنند البته آقای مخبر کمیسیون که احتمال میدهم دفاع کنند خودشان شاید بهتر از بنده آشنا بقواعد حقوق و قضاوت علمای اسلامی باشند و ایشان که دفاع کنند البته بنده استماع می کنم ولی میل داشتم آقای وزیر هم تشریف میداشتند. اقرار یکی از چیز هائی است که قابلیت ندارد برایش وکیل معین کنیم که وکیل میتواند اقرار کند مگر بگوئیم وکیل شهادت بدهد بر اقرار موکلش بگوید من شهادت می دهم که موکل من اقرار کرده ولی خود اقرار فی نفسه قابل وکالت نیست

**مخبر** - بیانات آقای عراقی حقیقه بقدری منطقی بود که بنده مجبورم دفاعی که میکنم بیندازم روی قانون سابق البته خاطر آقایان مستحضر است در دوره دوم تقنینیه ۱۳۲۸ یک قوانینی از کمیسیون های عدلیه گذشته منجمله همین قانون اصول محاکمات است که از کمیسیون عدلیه دوره دوم مجلس گذشت حتی این قانون که چاپ شده بود بامضای اعضای کمیسیون هم بود که همه آقایان دیده اند و چاپ شده است و آقایانی هم که بوده اند مثل آقایان حاج امام جمعه و آقای نائینی و اینها امضاء کرده اند البته چون آن قانون از کمیسیون گذشته بود قابل جرح و اصلاح بود که بعد از آزمایش بیاید بمجلس رأی بدهند. در ظرف این بیست و چند سال مواد قانون عوض شد و تغییر کرد و بعد از اختیارات مرحوم داور وزیر سابق این مواد از کمیسیون گذشت و اصلاحاتی شد و بقدری بالاخره شلوغ شد این قوانین که نه قاضی نه وکیل نه متداعبین هیچکدام سر در نمیآوردند بقول یکنفر وکیل که میگفت من دو ساعت بمواد قانون استدلال کردم بعد یکنفر باشد و گفت تمام این موادی که استدلال کرده اید همه لغو شده است و من متوجه نبوده ام بعد وزارت عدلیه در صدد بر آمد که قوانین را جمع کند و یک کاسه کند و حاضر کند و بیاورد بمجلس و حقیقتاً بنده یک قدری که در این قانون دقت کردم و در کمیسیون هم بحث شد دیدم خیلی مواد اصلاحی خوبی شده است مثلاً خاطر بنده هست راجع به اختلافات بین محاکم عدلیه و ادارات دولتی مثلاً محاکمات مالیه که در یک قضیه محاکم عدلیه خود را صالح میدانستند و محاکمات مالیه هم خود را صالح می دانست یا اداره خالصجات خود را صالح می دانست و میگفت دعوی آقا راجع بخالصه است نباید برود بعدلیه در قانون سابق عبارت این بود که باید جلسه شود در محکمه استیناف و رئیس استیناف و دو عضو باشد حاکم طهران باشد و دو نفر از سایر ادارات بحکم اقدمیت که وقتی یک همچو محاکمه میشد باید بروند

و به بیست اقدم کی است من نظرم هست وقتی در محاکمات مالیه بودم و مدعی العموم بودم رفتند شاهزاده عبدالباقی میرزا را از پستخانه آوردند که چون پیر مرد تر از همه بود و در خدمتش اقدمیت داشت و نتیجه هم گرفته نمیشد حالا ملاحظه میفرمائید که در تحت دو ماده انداخته اند بمحکمه تمیز که این قبیل دعوی را تمام کرده و محتاج به تشکیل این جلسات نشود حالا بنده نظر آقا را جلب میکنم بقانون سابق که از همان کمیسیون عدلیه گذشته است در او مینویسد اقرار وکیل اقرار موکل است و حالا آمده است وزارت عدلیه این را اصلاح کرده است که باید وکالت در اقرار داشته باشد سابقاً وکیل میرفت در محکمه و در هر جزئیاتی یک آقاری می کرد و محکمه می گفت چون اقرار وکیل اقرار موکل است اگر هم اقرار بر ضرر موکل باشد صحیح است لکن در این قانون وزارت عدلیه آمده است و گفته است اگر موکل بوکیل اطمینان دارد میگوید حق داری بروی و بگوئی که این ملک سه دانگش مال من است و سه دانگش مال من نیست اگر مطمئن است و دلش خواست این حق را بوکیل میدهد والا نمیدهد نه اینکه وکیل هر اقراری کرد اقرار موکل باشد بنده اگر بوکیل معتقد هستم او را در این قسمت هم وکیل میکنم و الا این حق را از او سلب می کنم و اما در اصول اسلامی خودمان در ادای شهادت که فرمودند هست استدعا میکنم در همان کتاب که فرمودند مراجعه فرمایند یک موضوعی است مثلاً در کرمان است بنده در اینجا هستم از من سؤال میکنند و من میگویم بله یک چنین اطلاعی را دارم. در اقرار هم من اختیار میدهم بوکیل خودم که برود و اقرار کند آنهم دراموری که قاطع دعوی باشد نه در امر جزئی میگوید برو در محکمه و بگو این ملکی که مابہ النزاع است چهار دانگ مال من است و دو دانگ مال مدعی علیه است من بر او ادعائی ندارم اگر وکیل آمد و این را اقرار کرد این عیبی ندارد و اگر هم نکرد که هیچ غرض این است که این اصلاح شده است باینقدر و تصور نمیکنم اینقدرش ضرر داشته باشد در قانون سابق بطور کلی اقرار وکیل اقرار

موکل بوده در اینجا آمده محدودش کرده در حقیقت که قاطع دعوی باشد اگر موکل بوکیل اختیار داده میتواند والا نمیتواند

**رئیس** - آقای دکتر جوان

**دکتر جوان** - عرض بنده در شق ۳ ماده ۵۷ است که مینویسد در مصالحه و تعیین وکیل اصلاح که در وکالتنامه باید تصریح شود و بنده تصور میکنم در شق ۷ که مینویسد باید حق توکیل را نیز در وکالت نامه قید کنند با اینکه در شق ۳ مینویسد و تعیین وکیل اصلاح این هر دو یکی است و این قسمت از شق سوم زائد است برای اینکه وقتی در توکیل بوکیل اختیار داده شد یعنی در مصالحه و ارجاع دعوی بحکمیت و تعیین حکم و تعیین وکیل اصلاح و اینها وکالت دارد بنا بر این در شق سوم که مینویسد در مصالحه و تعیین وکیل اصلاح باید اختیار وکیل در وکالت نامه تصریح شود بنظر بنده با وجود شق ۷ زائد بنظر میرسد.

**رئیس** - آقای عراقی.

**عراقی** - بنده در قسمت عرایضی که سابق کردم تصور میکنم که فرمایش آقای غیر محترم رد عرایضم نبود اولاً ما هیچوقت ندیده ایم یک کسی که میخواهد در یک قضیائی جلو برود عقب سر خودش را دیگر نگاه کند. یک کسی که از یک کوهی می رود بالا بر نمیگردد به بیست چقدر بالا آمده حواسش در این است که چه وقت بمقصد میرسد در کمیسیون قوانین عدلیه در ۱۳۲۸ که یک قوانین موقتی از این کمیسیون داده شد بیرون در آن موقع احتیاجات همان بوده است که داده اند ما هم بانها نگاه نمی کنیم به بینم چه کرده اند ما حالا نگاه می کنیم که به بینم این قانون را که وزارت عدلیه آورده است و در کمیسیون عدلیه مورد شور واقع شده است و تقدیم مجلس شده است و از عنوان موقتی مینخواهیم رد شود و نمیخواهیم یک قانونی باشد که موقت باشد بنده چون می بینم یک قانون موقتی نیست و بتصویب مجلس شورای ملی میرسد و نتیجه این است که بعد از این قضات روی آن قضاوت میکنند از این جهت بنده اشکالاتی

که بنظر من میرسد باید عرض کنم بنده نظر ندارم بقوانین سابق این قسمت هائی را که عرض کردم باز برای خاطر اینکه آقای وزیر عدلیه خودشان تشریف آوردند و استماع فرمایند و جواب هائی اگر دارند فرمایند کرچه تقریباً مثل تکرار می شود مجدداً عرض خودم را عرض می کنم و به بینم آقای وزیر محترم عدلیه چطور جواب میفرمایند اشکال بنده در اقرار است که در وکالت نامه نوشته قسمت ۹ از ماده ۵۷ و بعد هم در بین الهالین نوشته مقصود اقرار در ماهیت دعوی یا بامری است که کاملاً قاطع دعوی باشد اشکال بنده در این است که عدلیه مملکت ایران و همچنین خود آقای وزیر عدلیه که بنده میدانم حقوق اسلامی را کاملاً آشنا هستند و دیدم که حقوق اسلامی که مال آقای دکتر مصدق بود ایشان خودشان ملاحظاتی در آن کرده اند عدلیه ما قضاوتش روی قضاوتی است که در اسلام آنها را قاطع دعوی می دانند در آن کتبی که ما دیده ایم اموری را که قابلیت برای وکالت ندارد بیان کرده اموری را هم که قابلیت برای وکالت دارد و میشود برایش وکیل معین کرد تعیین کرده است مثلاً برای بیع و شری و چه وجه خریدن يك خانه فروختن يك خانه اینها را معین کرده و تمام مسداهب اسلامی هم در قسمت وکیل هیچ اشکالی ندارند مگر يك قسمت هارا که میگویند اصلاً قابلیت ندارد و ما هم متشرعش نمی توانیم بشویم اقرار از آن چیز هائی است که نمیشود وکیل برایش گرفت اقرار قائم به نفس است دلیلی هم که برایش می آورند این است که میگویند اقرار العقلاء علی انفسهم جایز این يك امر عمومی است که می گویند اقرار علی انفسهم نه علی انفس غیرهم يك اموری است که من می توانم نسبت بنفس خودم اقرار کنم اما نسبت بنفس دیگری نمی توانم اقرار کنم اقرار يك دلیلش این است لکن يك دلیل دیگری هم دارد که می توانم به آقای غیر محترم عرض کنم که میگویند من ملك شيئاً ملك الاقرار به که هر کس يك چیزی را مالك شد اقرار بان راهم مالکیت دارد ولی باید ببینند مالکیتش از کجا پیدا شده است.

و باین دلیل اقرار باید بر نفس خود انسان باشد مگر اینکه شهادت میتواند بدهد یعنی میتواند بگوید من شاهدیم که موکل من اقرار کرد و در هر صورت دعوی قطع نمیشود و قاضی نمیتواند بگوید این اقرار را من تلقی میکنم از نفس موکل. این را جمیع فقها بلا استثناء درش اشکال کرده اند و میگویند اقرار به نفس خودش میتواند بکند ولی قائم مقام نمیتواند از طرف موکل خود اقرار بکند ولی شهادت بر اقرار موکل میتواند بدهد بنا بر این بعقیده بنده باید عبارت را طوری بکنیم که این اقراری را که میل دارید شامل بشود اما نه بعنوان اقرار از جانب موکل زیرا اسباب اشکال است و علمای حقوق اسلامی اشکال کرده اند کنش هم مدونه است و اغلب از آقایان هم دیده اند

**وزیر عدلیه** - اول جواب آقای دکتر جوان را عرض کنم خیلی مختصر. ایرادشان این است که با عبارت عامی که در شق هفت هست که اختیار در توکیل برای وکیل قائل میشوند دیگر شق سوم قسمت دومش که تعیین وکیل اصلاح است زیادی است بعقیده بنده زیادی نیست چون اصلاح يك امر مهمی است و در حقیقت وکیل اصلاح مثل حکم اصلاح است. اختیار داشتن برای تعیین وکیل اصلاح یعنی تعیین يك کسی که او نماینده باشد و بتواند دعوی را بصلح تمام کند این البته يك اختیار مهمی است و این را نمیشود در جزء حق توکیل گنجانید و ممکن است که موکل با اشتباه بیفتد بنا بر این خیلی مفید خواهد بود اگر وکیل حق تعیین وکیل اصلاحی داشته باشد و این در وکالتنامه اش باید بخصوص ذکر شود. اما بیانی که آقای عراقی فرمودند خیلی خوشوقت هستم چون این بیان خیلی علمی بود و لیاقت این را دارد که درش یکقدری بیشتر صحبت بشود تا مطلب درست روشن بشود و در کمیسیون هم خودشان این موضوع را عنوان کردند و بحث مفصلی شد و آقایان اعضاء کمیسیون هم متوجه شدند و حتی قرار هم شد که فکر کنیم برای شور ثانی يك عبارتی که بیشتر مطلب را روشن کند پیدا کنیم بهمین مناسبت هم چون عبارت بهتری پیدا نشد در کمیسیون اکتفا شد که همین عبارت بماند چون این

عبارت از همه جا معتر بنظر رسید ولی چون همانطوری که فرمودند باید این يك قانونی باشد که از حالت موقت خارج بشود و يك قانونی شود که خیلی قابل تغییر نباشد (اگر چه ما هر قانونی بنویسیم بتجربه دیده ایم که محتاج باصلاح میشود) ولی امیدواریم این قانون اصولاً کمات که این دفعه می نویسیم برای يك مدت طولانی دست نخورد و بنا بر این هر چه دقت کنیم عبارت های قانون خیلی صاف و روشن و قابل يك تغییرها و تفسیر های خیلی وسیعی نباشد البته بهتر است. اینجا چون خودم وعده کرده ام برای شور ثانی يك مطالعه بیشتری راجع باین عبارت اقرار بکنیم بنده خودم هم زیاد مفصل صحبت نمیکنم و موکل میکنیم برای شور ثانی که در کمیسیون صحبت خواهیم داشت. البته مقصود از این لایحه مخصوصاً این قسمتی که در بین الهالین نوشته شده است این اقرار مثل سایر اقرارها نیست. منظور اینست وکیل حق داشته باشد يك اقراری بکند که تقریباً منجز باشد نسبت بمدعی به و مدعی یعنی بگوید این مبلغ را که از مدعی علیه مدعی ادعا می کند این مقدار است و مطلب را تمام بکند. البته ما يك اصلی در حقوق داریم که اصل غیر قابل تجزیه بودن اقرار است. این یکی از اصولی است که در تمام کتب حقوقی بحث مفصل کرده اند که بنده نمی خواهم اینجا این بحث را باز کنم و وارد يك موضوعات علمی بشوم و مجلس را تبدیل به آکادمی بکنم. غیر قابل تجزیه بودن اقرار از مسائل مهم است مقصود این است که اگر کسی اقرار کرد که این مبلغ را که از من ادعا می کنید تصدیق میکنم ولی من هم با شما يك حسابی داشتم و اینقدر بشما رد کرده ام معنی غیر قابل تجزیه بودن اقرار این است که اگر طرف شما بادعای شما اقرار کرد و در مقابلش هم يك حقی ادعا کرد نتوانید بگوئید بیا طلب من را بده و بعد طلب خودت را ثابت کن یا باید همه حرف او را قبول کنید یا همه اش را رد کنید مقصود ما این است که این از اقرار هائی که غیر قابل تجزیه است نیست یعنی اگر اقرار منجزی باید بکند وکیل این

اقرار منجز را باید اختیار مخصوصی داشته باشد از طرف موکل. ممکن است سند طرف را قبول کند و اقرار کند و بعد در مقابل سند حرف هائی بزند بگوید این سند شما صادر شده است من هم امضا کرده ام ولی به فلان دلیل خالی الوجه است یا تهاتر شده یا نمیدانم بانواع و اقسام حرفی که در قانون مدنی برای بری شدن مدیون از دین قید شده اسقاط دین من شده است این حرفها را ممکن است بزند. اما مقصود این است که اگر اقرار منجز میخواهد نسبت به موکل بکند باید اختیار مخصوص داشته باشد از موکل بنا بر این باز هم مطالعه می کنیم برای شور ثانی عبارت صاف و روشن تری پیدا خواهیم کرد

**رئیس** - ماده پنجاه و هشت

ماده ۵۸ - وکیل در محاکم حق تقاضای صدور ورقه اجرائیه و تعقیب عملیات اجرائی و اخذ محکوم به را در صورتی خواهد داشت که در وکالت تصریح شده باشد

**رئیس** - ماده ۵۹

ماده ۵۹ - اگر موکل وکیل خود را معزول کند باید هم به وکیل وهم به محکمه اطلاع دهد. عزل وکیل مانع از جریان محاکمه نخواهد بود اظهار شفاهی در عزل وکیل باید در صورت جلسه قید و بامضاء موکل برسد

**رئیس** - ماده ۶۰

ماده ۶۰ - مادام که عزل وکیل با اطلاع او نرسیده است اقدامات او در حدود وکالت و همچنین ابلاغاتی که از طرف محکمه بوکیل میشود مؤثر حق موکل خواهد بود ولی همینکه اطلاع عزل وکیل بمحکمه رسید محکمه دیگر او را در امور راجعه بمحاکمه وکیل نخواهد شناخت

**رئیس** - ماده ۶۱

ماده ۶۱ - در صورتیکه وکیل استعفای خود را کتباً بمحکمه اطلاع دهد محکمه بموکل اخطار میکند که شخصاً یا بتوسط وکیل جدید محاکمه را تعقیب نماید

رئیس - آقایانی که مرخصی آقای زوار را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مرخصی آقای امیر ابراهیمی. آقای امیر ابراهیمی تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۱۶ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون واقع شده اینک گزارش آن بعرض میرسد.

رئیس - آقایانی که مرخصی آقای امیر ابراهیمی را تصویب می کنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

[ ۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
رئیس - اگر تصویب می فرمائید جلسه را ختم کنیم جلسه آینده یکشنبه ۲۸ آذرماه سه ساعت قبل از ظهر دستور توایح موجوده

(مجلس سه ربع ساعت بظهر ختم شد)  
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

[ ۵ - تصویب سه فقره مرخصی ]  
رئیس - سه فقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود

مرخصی آقای جرجانی

آقای جرجانی تقاضای ده روز مرخصی از تاریخ ۱۶ آبان ۱۳۱۶ نموده اند و کمیسیون عرایض با تقاضای ایشان موافقت نموده اینک گزارش آن بعرض میرسد.

رئیس - آقایانی که مرخصی آقای جرجانی را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. مرخصی آقای زوار.

آقای زوار بواسطه کسالت و لزوم تفریح آب و هوا تقاضای بیست روز مرخصی از تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۱۶ نموده اند و مورد موافقت کمیسیون واقع شده اینک گزارش آن بعرض میرسد.